

TO THE READER

K I N D L Y use this book very carefully. If the book is disfigured or marked or written on while in your possession the book will have to be replaced by a new copy or paid for. In case the book be a volume of set of which single volumes are not available the price of the whole set will be realized

SRI PRATAP COLLEGE
SRINAGAR.

LIBRARY

Class No. 891.441

Book No. H 55 G

Acc. No. 16007



SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY
SRINAGAR (Kashmir)

DATE LOANED

Class No. _____ Book No. _____

Acc. No. _____

This book may be kept for 14 days. An over - due charge will be levied at the rate of 10 Paise for each day the book is kept over - time.

[illegible]

SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY
SRINAGAR (Kashmir)

DATE LOANED

Class No. _____ Book No. _____

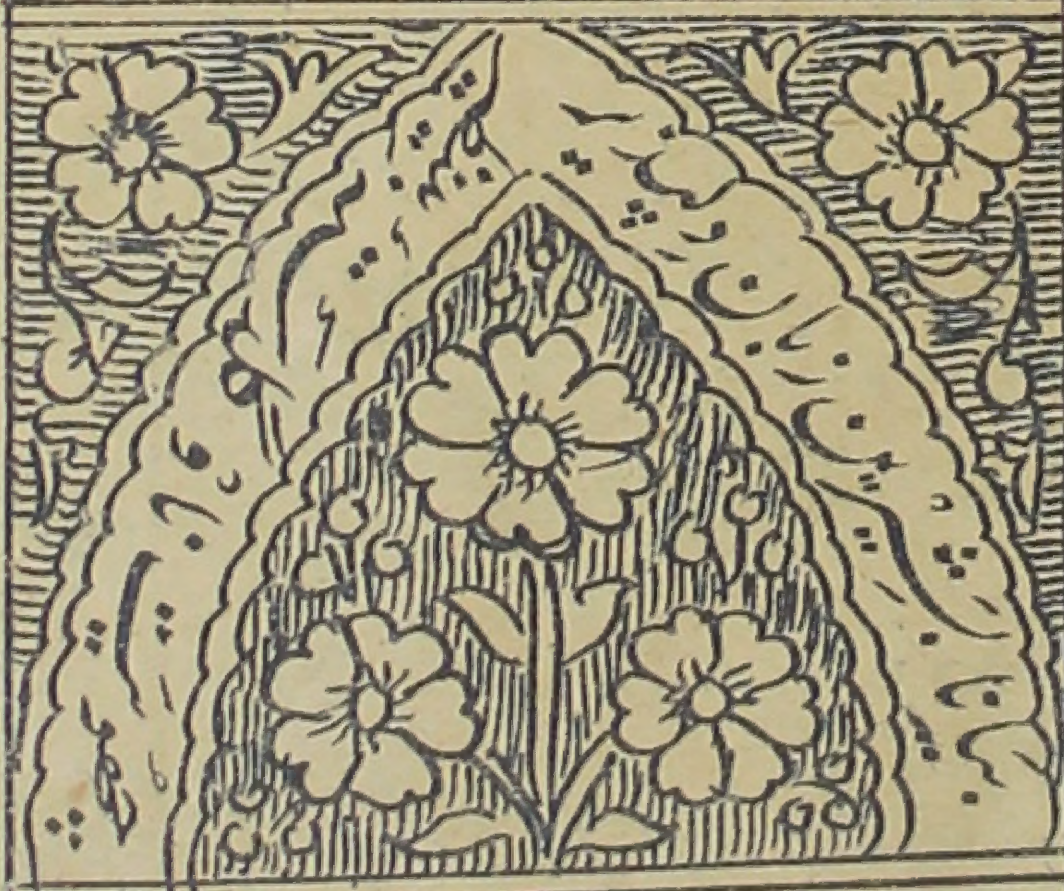
Acc. No. _____

This book may be kept for 14 days. An over - due charge will be levied at the rate of 10 Paise for each day the book is kept over - time.

[illegible]



تصنیف لطیف شاعر لائانی جناب پیر عزیز اللہ صاحب حقانی



نویس غلام محمد و نور محمد تاجرت کتب مہاراج بنیر گنج بازار سیرنگر

تمامی کتب کشتی کی قیمت نقد و بذر لیکھ دو کی پائی ہمارے دو کلان سے مل سکتے ہیں۔

بسم الله الرحمن الرحيم

دوون عقل ادراک با دست خفا
که دن سوی بسوزد از خفا
کن زیمتی از بسوزد از خفا
بخت زندگ سرش از خفا
بده ساقی از خفا
که از دختار و علم در دوزخ

۲

معنی ناب گون جام برآید
 کرد ابتدا غمت خیر
 غمت در مدح جناب حضرت
 پند کشید و صلح الودیه
 و صبح و

سید الشیخ
واله وحبیب
بنی و آن رسول
الحق فی خاصه
فی شفیق

دلا کر سب نام خدا ابتدا
سو بمشیل و مانند بی کیف و کم
بیک رمزه قدرت کران آشکار
سو قدوس قیوم قایم بذات
سو در باغ وحدت کنوی او گل
چو تس نش حریم نه چو تس نش
چو سوی مالک ملک دنیا و دین
رخ قدرتک نور چو ی جلوه گر
چو تس نش نه خالی عرض کنه
نه در گوهر و نی سو در رنگ چو ی
اگر با تامل و چمک از نظر
تمی بویه چو ی مشکبو تر کلاب
هتو و جوشش آب جوشان نهان
زبان قلم گر بود صد هزار
سو معبود یکتا خدای جهان

تهند ایند اچوی بلا انتها
سو خلاق عالم بنور قدم
زمین و زمان و خزان و بهار
چو فعال افعال رکائیات
چو مشتاق تسکن همه جزو کل
تهند وی چو دوزخ ته تسکنش بهشت
چو در قبضه او زمان و زمین
معی نور کوی ذره شمس و قمر
سو کنده شے نه لیکن بهر شی سو
ولیکن سو تا بنده هر رنگ چوی
شمس نش چونکه نهته ذراه بر
ز دریا سپین آشکار احباب
یه شمعک سخن کرانو در میان
هلی کر لکھت حمد پروردگار
چو تسنش سوید اکمین و

[illegible]

حضرت علی بن ابی طالب
 علیه السلام
 در روزی که از مدینه
 به کربلا می رفتند
 در راه با دشمنان
 روبرو شدند و در
 کربلا کشته شدند

بداحی آن شه انس و جان
 چو عیسی تمس حر که یک پاره دوز
 خلیل آسوتس گلشنک باغبان
 حضرتس چو سرکار کوی آبد
 شده سایه اولطف آنقدر
 عجب سایه چو بی سایه بالای او
 رشن زیر سایه زمین و زمان
 بلاشک سوسایه ز اهل نظر
 چو حق پانه مداح آن جان جان

کمر بسته هر سو صف مرسل
 تجلی موساش مشعل فروز
 سلیمان یکم مهره دار زمان
 زره ساز داود و دز کار زان
 ز جانهای پاکان تنش پاکتر
 کل قدر تنک آسوت رنگ و بو
 ز تحت اثری تا حد لامکان
 چو سر سایه نور کحل بصیر
 چو کیه تا بحقیقانی کج زبان

در منقبت جناب حضرت امیر کبیر علیه السلام

و لوساقیوا از کری التجا
 می نا جگون جام شر چاو
 چو دلتنگ دست نفس شر
 میه چوم پیر سید علی نامدار

بیک ساغر باده دلکش
 و لومی چنی دل نجار آو
 میه در دهنه انس و امدح پیر
 چو یس ثانی شاه دلدل سوا

بنوعی که در این
 کتاب آمده است
 در روزی که از مدینه
 به کربلا می رفتند
 در راه با دشمنان
 روبرو شدند و در
 کربلا کشته شدند

در روزی که از مدینه
 به کربلا می رفتند
 در راه با دشمنان
 روبرو شدند و در
 کربلا کشته شدند

از آن که در این
 کتاب آمده است
 در روزی که از مدینه
 به کربلا می رفتند
 در راه با دشمنان
 روبرو شدند و در
 کربلا کشته شدند

کتاب در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران

پیش از این که در این کتاب
 در بیان بزرگواران

چو معیوب حقانی کج زبان
 چو چوپان موسی علیه السلام
 بجوشش چو اندر درون پراثر
 پرو هر زمان یا علی یا علی

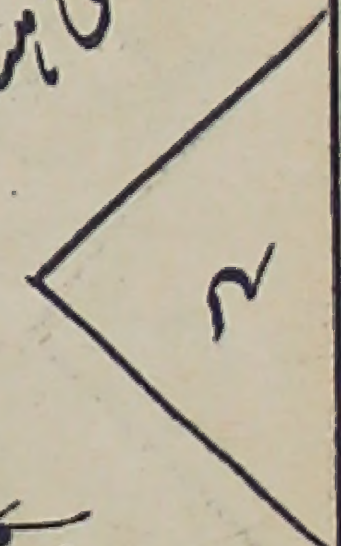
یتیم یار و پناه هستی مدح خوان
 و نون با خدا گویند میا نوی کلام
 ولی ناله در دوزخ جگر
 نمی ذوقه دل و ن کرو منجلی

مناجات بدرگاه قاضی الحاجات

ز بس بار عصیان گران چهره
 بحق علی و باصحاب دین
 تو ستار و غفار و آمرزگار
 کروم درد و عالم ره حجت روا
 شراب محبت بنون چا و تم
 تمن سان ایمان کرتی عطی
 تهو ک خوشن سپاس شت بایزید
 دلسن آب عرفان کروم شست و شو
 بحق محمد علیه السلام

ای الهی بوسنداه کنه کار چهره
 الهی بحق شت مرسلین
 خطا بخش و ن چو کت پروردگار
 گران چو بس بدرگاه توالتجا
 بدنیای بهر حال خوش تها و تم
 به با مخلص بخش ساری خطا
 چه بیم میان غمخوار طالب بد
 بدنیای و دین تها و تم سرخرو
 به دوستان شاد تها و تم ام

دل اول در دوزخ
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران



در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران

در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران
 در بیان بزرگواران

بدو ساقیا ساغر غنیمت را
 گذارنده نامه دوست
 شاه آسو باشوکت مال و جا
 بکثرت شمس گنج و مال و مثال
 شاه پادشاهان با تخت و تاج
 عنایت بآرام آسوده تر
 رکان ملک کهنه گدا و فقیر
 بی کیا بهوتند سو جا و حشم
 هزاران پری پیکر آغوش
 نوک کهنه تس در جهنم آسو غم
 رین غم شمس بر جگر آسو داغ
 خلوت وزیراه ان بر و نهکن
 که این نامه را میکنم ابتدا
 کرن نقل از ملک مند و ستا
 فریدون حشم شاه گیتی پناه
 ز فوج گران آسو فرخنده مال
 خطا تا خلق تس و ان آسو باج
 با حسان تمن مال و زر بهشت
 با حسان سلطان سپهر امیر
 محل و مکان آسو رشک آرام
 بخدمت کمر بسته حاضر مدام
 مگر بهر اولاد آسوس الم
 و چون خانه عیش و ان بچراغ
 بنون داغ درد درون تس و نون

بده ساقیا ساغر غمزد
 گذارنده نامه دوست
 شاه آسود باشوکت مال و جا
 بکثرت غم تن گنج و مال و مال
 شاه پادشاهان با تخت و تاج
 رعیت بآرام آسوده تر
 در آن ملک کنه گدا و فقیر
 دلی کیاه بوتمند سو جا و حشم
 هزاران پری پیکر آسود غلام
 کنوک کنه تن در جهنم آسود غم
 درین غم تن بر جگر آسود داغ
 خلوت وزیراه ان بر و نهکن

که این نامه را میکنم ابتدا
کرن نقل از ملک مندوست
فریدون حشم شاه گیتی پناه
ز فوج گران آسوفرخنده فال
خطا تا خلق تشو و ان آسواج
باحسان تمن مال و زر همیشه
باحسان سلطان سپهت امیر
محل و مکان آسورشکارم
بخدمت کمر بسته حاضر مدام
مگر بهر اولاد آسوس الم
و چون خانه عیش و ان سحران
بنون داغ درد درون تشو و نون

تو حمله از تنگ کریم
بیا عطا داد و بار
شدن پیش بیا

سید الشهدا علیه السلام

امیر و کار کب پهلوی مال و مال
 جگر از جگر منور و کرم خیل
 امیر و کار کب پهلوی مال و مال
 جگر از جگر منور و کرم خیل
 امیر و کار کب پهلوی مال و مال
 جگر از جگر منور و کرم خیل

وزیرین و بزرگان
مسئولین و حکام
درین سلطنت کثیره اعمال
نیزه در هر دو عالم بنی حال
مکرر و پیچیده و تاج و
ولت نخست شاهان

۵
هم که بخت اوقات در غم خلف
ببند و زان بهمن روز قرار
میرم کسی که در حق او در مقام
نیز از آن ترک این گفتار
سازد از علم لایق نظر
این نامه می باشد و لایق

در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا

کرون تازه گلزار امیدش | شکفته دل بخت جاویدش

در بیان تولد شدن شاهزاده بنظر و خوش شدن شاه

و لوساقیو چا و جام شراب شراب مصفا چو لعل نگار کرون نغمه تهنیت چو شروع سپین یام نور تاداسر عجب صاحب حسن تابنده چهر تسد روی چون ماه آفاق گهر حکیموز میلاد و نهی خبر شاه آینه اندر جهان چشم سپون شاد بوزت شد اوگر کرک شاد یانه عجب در طرب که وید کران مر حبا آفرین جمع تهنیت گوید یوان عام	چو اندر طیش دل کر اضطرار بیکبار چاوت منگے بار بار ستاره سفیدس چو وقت طلوع تولد سپین پادشاه سپر و حبت شیفته سپون ماه و مهر توی ناویویش شه بنظر مبارک یه شهرزاده فرخ سیر عطار در رقمه مبارک قدم دتن داد شادی بامداد زر بجن باجه گوراج دارن عجب صبا دل ز گلزار خلد برین سپین تازه از خاص عالم از جام
--	--

در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا

در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا

در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا
 در میان اینها که در این دنیا

این نازنینش عشق بهر جامه
 خزانه دین یانه جانانه از خانه دراد
 بستم بیون عشق را خضای
 جام او بدر میهن از این نظر
 دلش میوه و علم و جام
 کرم کند کرم و سر دهمان
 بپیر میغان

بباغ جوانی چه ایام گل
چو کرد جهان در گل بوستان
چومی وقت فرصت غنیمت شمار
چو از چرخ چرخ خزان و بهار

در بیان رفتن شانهزاده بالای بام بر انظاره بام و عاشق شدن پرسی بر شانهزاده و بردن در پستی

چشم منت برای ساقی سیمبر
 و لوساقی و عده موتهو گاه
 غرض شانهزاده بران فرشناز
 بآرام اندر منام تمام
 یهتوی عیش و آرام و جنگ و ربا
 سوخو شتاب در خواب با بهتاب
 عجب با طرب عالمس آسوکاه
 گهی مه گزین با بخش تابدار
 بهر ویه و لجوی آن سر بلند
 امی حاله مسن بال حیت خوابگوی
 دیان آیه پریاه و دُن زودتر
 ز مهتاب ویش و چون تسن

بیک ساغر می یه دل شاد و کر
 بوته دلربا از کر و کسب ماه
 سودا حیت عالم شهنش و لنواز
 باین عیش و آرام بالای بام
 تهتوی مستی گل نه خواب و شب
 تسن روی رتاب ن آفتاب
 عجایب جو کیجا سمن مهر و ماه
 گهی رخ تسن زونه آینه دار
 سپین عکس در جهان چا چند
 بگرد رخس ماه مهتاب بکوی
 پسین رخ ماهتاب بش نظر
 دزس در غم عشق آتش سه

نزدیک آن میر و وزیر و...
 و غنچه جان جان جان...

و غنچه جان جان جان...
 و غنچه جان جان جان...

و غنچه جان جان جان...
 و غنچه جان جان جان...

و غنچه جان جان جان...
 و غنچه جان جان جان...

ابراهیم عیسی و یحیی و یونس و ادریس و
 جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و
 ارمیا و یونس و ادریس و یحیی و عیسی و ابراهیم

در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان
 در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان

در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان
 در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان

۱۲

شه کر عیش و آرام در هر چمن
 زانده و هجران که در آن سرد
 سپون برود اس آرد دل هر
 نه جای قرار و نه پای فرار
 بدام برسی لگو فریب و سال
 شراب و کباب و بهار و نگار
 بغیر از غم دوری و دوستان
 غم مادر و درد و هجر پدر
 بنار و کمری تس کر بنفشه
 مگر گشته تیوت دلیگر در غم اسیر
 شه کر سیر جانانه در هر مکان
 پس انگه باین شرط خست و
 گزشت مکاره قیدی بنک سینه
 خبر دار چو یتهنه میلی سزا
 کژی نار چو یستیگی هندی

مبر در به چو ی خانه خوشیتن
 به بوزت شه بنظیر ز درد
 چو تصور یکپاس گو بی حواس
 بدل کنه رود س خود خفتیا
 امی حاله کنه کال آمو مثال
 ولی ناز و ساز و سر و دس
 بدل کنه رود س قمتا نهان
 سو غم و مبدم اسو تش تازه تر
 بری اس باد لبر هو شمند
 تو می تس و چون کاشی بنظیر
 دمی گر پنون بهر سیر جهان
 بشرطیکه اول بو لکبه لکبه
 شک بهتونه از حیل در شک خورش
 دلی بهتونه کانه هم نیبی مه
 کرون سیر چو ی تا بیک شهر

در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان
 در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان

در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان
 در این سال در این دادن ایام
 ناله دیو و دزدان

بیازودای ساقی شوخ رنگ
 دغم داروی تیزهوشی برود
 بنیواک دو با همچو مهر منیر
 ز نکیس کرون سیر سوی دگر
 لراه اک و چین ز سفید بکند
 بیهوی عکس مع دلفرا جا بجا
 ز اوج فلک تهر برودی پهر
 چو فردوس باغاه و جهنم تازہ تر
 شکفته بهر گونه گل آوزه لی
 نسته بوی همچن آیین سیاه
 درو بام و دیوار و آسفید
 مطلقا بچن چین استو فرش
 درین باغ فردوس تراون بجا
 و چیس پیری آسه تیرهوشمند
 بهت بربل نه بر تخت زر

بیک ساغر می دلس کاس رنگ
 کرم تو سن طبع بالا صود
 به پشت فلک سیر گو بنظر
 و چین برو سته باغاه کرت نظر
 درین باغ از ماه روشن و چند
 تهروی صحن چمن کیانه دلکش هوا
 پس و پیش در باغ تراون نظر
 چه اشجار و از بار و انهار و بر
 و چینه نطنی گو کلیوتل ملی
 توی تازہ تر گوس مغزو دماغ
 تمک طاق محراب صبح امید
 کموت و شکوی تاب لایع شتر
 و چین حور و شصورتاه رشک ماه
 بیک نر شندی کرس شیشه بند
 بستراج زریر ز لعل و گهر

و صحن کب و جوی و کاه
 و صحن کب و جوی و کاه
 و صحن کب و جوی و کاه
 و صحن کب و جوی و کاه

و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان

از دور و دور و دور
 از دور و دور و دور
 از دور و دور و دور
 از دور و دور و دور

و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان
 و بیان و بیان و بیان

[illegible]

جواب
مردمان و جنات
که در این عالم
بزرگواران یک
به زیاده و کمبودی
صانع خلقت و احد زوینند وی
کلمه منزه بر او زن آفتاب

تندرست سینه چو شیشه خفته صافتر
 قلم لبته گو در رقم از بیان
 بحر اوج زانو الی حد ناف
 تندرست ساق سپهرین مصفا بلور
 عجب پشت با صاف انگشت با
 سراپا از آن دلبر شوخ رنگ
 تبسم تکلم تر خیم مستم
 نراکت صباحت فصاحت تمام
 نکه آفت و چشم عین بلا
 کله ناز و زیبا ته دیبا قبا
 عجب سگری دلبری بنظیر
 نظر یام کر بنظیر ز دور

همه آیت نور تاناف پر
 ز بار یکی وصف موی میان
 سرا سر سراپا و نی صاف
 ز آینه روشن شرم نرزه کهو
 کف پایوان در نیل پشت با
 ادا بنظیر و چوس رنگ رنگ
 مطابق بخشیم موافق کرم
 بلاغت نما با ملاحات کلام
 مرثه دینکی صف زین بر ملا
 صباست کران مرحبا مرحبا
 عتس دلبرس تا و بد رمنیر
 سپون مست دلسته در عشق حور

در بیان عاشق شدن بنبطیر و بد منیر بر یکدیگر میگوید

چو سرو روان پای رودس بجمل | رُس جای عشق نهانی بدل

سپیدون دوه زوږن اچانم
یکه کړايم له دیک پر لاس
ان د بیا وراه نشي ورکېد
زافسانه او حسرت نه لرېم
بېوزل پسرل ان سیمه
هو هنر پسرل ان د افغان
بايد ماته پيدا شو نظر
شاید هم وایم پر مخی نقار

بازم دیگر ای بابا بس ازی
راه بنه رویه لگ دور دوری
خزانه خزان سیم دوری
پسین ریحون پور از راه دور
پارانیم دوری
پسین دوری

[illegible]

تسدرنگ بر لب لعل بام
بصد تامت کرون غنچه وا
پر شهن بازاکت بآن رشک
کنکو چوک شه سلطان حسن جمال
زه چوک مہجین رشک حور و پر
بنار و آدالبتہ گو میون دل

دُرخشان بدخشانکوی وقتِ شام
ہرن گوہر از درجک پر صفا
ینہ چانکوی بت سبب فتنہ کیاہ
وحس چان عشق دل گوم ال
کران بستہ دل چوک بجاد و گری
وحس چان حسن لجن الہ کل

غزل دوم از طرف بر منیر بخاطر بی نظیر

روی چھا یا یہ مہر انور چھا
قد بالابلا سے رعنائے
چشم و مژگان و بیوا ابرو
مار صد سر سیاہ مہر سر مو
طرفہ در باغ حسن زانغ سیام
کارہ پت مو بفتہ یا گیسو
وصل ابرو و وصل طرفہ بلا

جلوہ آفتاب خاور چھا
الف چھا سرو چھا صنوبر چھا
سحر پرور کان و ابرو چھا
کافر مست زلفکوی و چھا
داغ لالہ بروی آذر چھا
چین بچین یا یہ عنبر تر چھا
عرہ طرہ خط محور چھا

ہمیشہ از غنچہ بونہ در کشت
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا
چھوٹا چھوٹا چھوٹا چھوٹا

واوون منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون
منیچکون برون

انگشت بد رقصہ باغ و بام
سواری و حمام و نام و نام
دن نشی و خوشام و نام
بخت از دل و غایت و نام
یہ بوزت بستی و نام
برنجی و بون بستی و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام

دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام
دہ مہر و نام و نام

Sri Pratap College
Srinagar

چکن جو یہ اُشتہ دلس آب تاب
 بو بنباب کیا ہزاراہ عشق عتاب
 بہ چچان زلفت گرفتار چوں
 و دس در غم عشق پروانہ رُہ
 بکیسورت کستہ شام و سحر
 کرت پارہ پارہ دل خار ہنگ
 نہایت چو سی سرفدا بیت کم
 چو کر سر سری ناز عشق صدم
 بیک چین ہیوزالہ لک دلخیز
 نورس سنن شرکت جام ہوم
 پردن مصحف روی بدر منیر
 بغارتگری دل کروں مرحبا
 ز دیباچہ پرپس سراپا زہ باب
 بیاب دوم در غزل اختتام

به بوزت شه بنظیر شتاب
 دیون تن زاری که ای مانتا
 دل و جان بوجانوی خریدار چه
 چهسی شمع وین بوج پروانه
 بموی سیاه و رخ چون قمر
 لدت قوس نازس ز مژگان خندنگ
 ز جایت بخیزم گدایت کنم
 اگر سر بری بر ندارم قدم
 به چای زلف تو ای نازنین
 زده رستوی حرام عیش و آرامم
 غرض عشقتی زاله لگ بنظیر
 دتن دل یکدین و لر با
 و چمن پیشرو تازه حنیچ کتاب
 بیک باب وصف سراپا تمام

غزل سیوم از طرف مینظیر بطرف بدر منیر میگوید

عاشق بکجا چیده امضطرب در کوی بار
 مست جبار نخست با چغالی ببار چا
 در بیان رخصت وادان بدر میسر
 بنظر او رفتن بنظر و خانه
 پیری و استیاض شدن و
 ملاقات نمودن و خصلت
 وادان

درینجا شبک پر گو سر سری
سو خورشید از ماه و یام و راو
گهر بارش چشمه ز آب ستم
بدل مضطر آب سو آن روید
دین یا الهی گز هم روز کر
کرون یاد زلف سیه فالکوی
غرض آفت مھر محشر ستم
یه گو و اوقات شه بنیظیر
سوش تس سپون چون قیامت
بامید و یاس و مه دلربا
تمس آس دلجو و ساه پارسا
حسین نازنین مہر حسین شهید
سه واقف بحالات بدرمیر
شاه آس قلاش در کا عشق
انن برو نهکن ماه و دلپذیر

در بیا شبک پر گو سر سری
 سو خورشید از ما هر و یام دراو
 گهر بارش چشمه ز آب ستم
 بدل مضطرک سو آن روید
 دین یا الهی گز هم روز کر
 کرون یاد زلف سیه فالکوی
 غرض آفت مهر محشر ستم
 شهس و اتو میقات عهد پر کی
 سپن روز وصلش بهر ناو
 بسوی پر کی تام تراون قدم
 به پیش پر کی زن دوسر قید
 و چس روی شمع شب افروز کر
 تمنا کردن یر تو سی شامکوی
 صد عشقه سیلاب طوفان غم

رو به طرفه بپند در جوت که ذوال
انی حاله لکن همزی عالمه مال
قبایا بپند در جوت که ذوال
زبیبای بپند در جوت که ذوال
همن انگر دستن حنا بپند
سولسی بپند در جوت که ذوال
زده آن در جوت که ذوال
اساز و ناز در جوت که ذوال

کلام و فاضل داری و دل داری و دل داری و دل داری
 و فاضل داری و دل داری و دل داری و دل داری

یوان اسو از دیک
 ملن دون نکالان الکی بیه
 سرور که تیرست یار با صد در
 چاهن الکی الکی الکی الکی
 در سالی

در بیان احوال شدن پری

۲۰

از احوال بدستور و منظر
از ویو ملکوت و قید کردن
از ویو ملکوت و قید کردن
منظر و چاه و بارگاه
شوق و شوق

بختیگر و چاه
و کوسا فیو چاه و شوقین شراب
بختیگر و ناز و درج
نعمت بیگم و دوست میک
هو زار کن

و کوسا و یو
بختی از بازه در پیش
خسبست خورفت میکش و جابر استقام
خوب از آن فلک در پی نظر و اسرار
عقل بنیچک از شوق آن سیه
بدن که از سیه خور غول کرده راه
سید روی دیواه شفا و شکر
نزد دیکری و نیکو

هنگامی که در این راه بودم
 و در میان کوه و دشت
 و در میان کوه و دشت
 و در میان کوه و دشت

در میان کوه و دشت
 و در میان کوه و دشت
 و در میان کوه و دشت
 و در میان کوه و دشت

همن نار از غیرت آن نگار
 همس ان مقام از سلیمان قسم
 تهون قید در جاک تاریک تنگ
 گریبان عیش کس با پاره بار
 سوشه زاده دیهن پری در عذاب
 سه تندی و حبت گوسر قالب تپی
 شه زاست عیش عشق صدم شیر گفا
 شه عاشق پوشی در کنار درگر
 بر از مار و کژدم جو قهر سقر
 شه شوی نه بانازکی دلبری
 رضا تهوی هوکی مازده آسوی قضا
 تهون راجه تن بهر دیو لعین
 تلون شاهزاده زور بار در او
 صلا ده بماتم بلا در بلا
 روارو هوا زن کرن کم نوا

سپون پریه بوزت دلس خارده خا
 دیون از زمین تا بکیوان
 کد سرخت شاهی ز تن بدید
 فوثر تم مه سیت عهد و پیمان قرار
 درین حال گو سپیده با صد شتاب
 دلس زانیه تفسر چه سرو سهی
 به تندی دیوس پریه کای بوینا
 مد لحن بغیرت جهالتش حکر
 تهوت قید در جاک تاریک
 مشی عیش و آرام و ناز کتری
 بجاه الم و همه فزا جوی سزا
 غرض بنیظیر آن مد و نشین
 بحکم پری دیو خونخوار او
 سوشه زاده سوزن بجنبک بلا
 تلون از زمین فلک بر هوا

از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز

از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز
 و از بیانی و از دنیای دوز

در آن کل فزون کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان

و چون نه شاه روز آن لفروز کرون ترک آرام عیش و قرار نه تر کهن چن آب خواب سرور دیون کم بو چاوس عشق شراب ولو عشقه هجرانکے خنجره امی حاله در ناله بی حال و هوش	دلس گوس پیدا سٹماہ درد سوز سپن زار بیمار در هجر یار بہن دور از ہم جلیسیان نفور مہ تہونم نہ میل خورد آب و خواب زشت سینہ کرتہم دلس بخرہ اک نالہ زیر و بمبس باخروش
---	--

در آن کل فزون کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان

در بیان فراق بنظر بد منیر او در آمدن در باغ
 و ساز و ستار نمودن و وصف آن باغ

و لو ساقی بد دل چو در خطراب غم منن چو کیا غم غنیمت چو موم بر روی دلجوی از فوط غم خواصن دیون چوم تمنا یون دلس نار از هجر دلدار چوم غرض در سایه بایار ناز کبدن	بکلابی غنچه چاوم شراب بد نیا چو همزاد شادی و غم سپن موی از لاغری و سبدم بواز نیرہ با فیرہ با در چمن یوان بوی دلبر ز گلزار چوم خرامان خرامان بطرف چمن
---	---

در آن کل فزون کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان

در آن کل فزون کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان
 با کرم فزون ازین و این کل بس کل بر ما آن چه دان

کربیاں کربیاں
 دل کربیاں دل کربیاں
 کربیاں کربیاں
 دل کربیاں دل کربیاں

چرنده پرنده باواز تار
ز گل جلوه وصل رُط بلبلو
ز قوس بلا آستوی زخم تیر
چو درند عشق عین حرام
چو بلبل ز غم دردش خار خا
هر آن اشک مجرای بکف رومال

۲۴

پیروه شبن وُل رُخ آفتاب
 سپین عاشقین پُت قیامت
 شد از محفل نغمه تنهانشین
 بر رویه چشم و یکپوس جوی خون
 ستم بر ستم یز ستم بر ستم
 نمی آید به گوصاف و کی سحر
 بر آن شعر حقانی و لفظ کار

یہ درجہ برائے

بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار

اصطلاح
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار

بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار

بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار

در آینه مهر و چو رنگ و
کدُن آه جانگاه از سوز دل
درین حال گواک رتبه سیر
ز فرط الم گنج سده بدول جمال
شب و روز پوشش غمک مخصا
دیون تس که ای لعبت شوخ رنگ
مسافر جوانا و چوت سیری
سوچوی بوفالتش نه کراعتما
مسافر کتهن پش متن چهاروا
موثر زیو پریر وید پونس حجاب
تصور کرون یام به از نظر
کتهن جوشن پیشوخ گوس زرد
جونست صبرش متن سنگ گو
ژلوس خواب راحت دلش و تاب
اندر گچ سندر زن سه سندر سبا
لبن ساغری در بدن موبو
بدس پای سروسن زنجیر گل
وچین نه مبه دلر بادر نظر
رخ بمجو بدش سپون چون بلال
وچیت مایه مهر آیه نجم النسا
مزن سنگ برعل ناموس و ننگ
تمسک نه چمه دیوانه گیش پری
زه ناحق گز مکت در محبت سباد
غریب الوطن آیه یس بویفا
سوما پریریه کرقید در کوه قاف
سپن مبتلا واره در غم اسیر
کدُن آه جانگاه با سوز و درد
هیه زن گل جعفری رنگ گو
ز دل در اسده آس بوی کباب
نندر آیه تس دایه ز شه گیه جدا

بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار
بازمان خان در این دیار
بهر حال در این دیار

و چون خست بخت از این جهان
 و چون خست بخت از این جهان
 و چون خست بخت از این جهان
 و چون خست بخت از این جهان

چو باد صبا بر چو باد صبا
 چو باد صبا بر چو باد صبا
 چو باد صبا بر چو باد صبا
 چو باد صبا بر چو باد صبا

آفتاب از خانه خود
 آفتاب از خانه خود
 آفتاب از خانه خود
 آفتاب از خانه خود

<p>نه دین سوگفتاری روی یار رطس مه رخن داغ زردی زود خواص آبی از هر طرف جوق جوق دیوک تس که امی دلبسته رخ رنگ بزاری پر رویه دیونک جواب غرض تس به نجم النسا یثرفیق ممتی باند اراد پس کای نگار دمس و ن بگرد جهان سولبو پس واره پیغام در هر مقام و چمن گلشن منزه چو باد صبا بواز خانه یامت نبریره یام اگر سرورین سرود کیه چو در بر رویه دیونس که ای غمگسار مگر چوینه کنه چاره در جستجو به بوزت سه نجم النسا و زه شتاب</p>	<p>پکوس جوی اُش در غم آن نگار فطس دل باند کم کدون آه سرد نگار س و حک تازه آثار شوق کردی کم غم گل حس آرنه رنگ مده احوال دلدار دیوم بخواب زهر کس در ایام هجران شفیق مبرور کری جان و دل زری تبار چه غم گر رود سر درین جستجو چه از بحر و خشک تر شهر و کام درین کاریاری کرم یار با کرک شیفته هر طرف خاص و عام میه گندم بجان بازی خود کمر زه رستوی مکه کانه چمنه هم از کار نته مامرس در همین آرزو تلن بین جوگی ته چنگ و رباب</p>
---	--

از این جهان
 از این جهان
 از این جهان
 از این جهان

این که در این سال در حال
 از او از جوانی قیامت
 در این سال در حال
 از او از جوانی قیامت
 در این سال در حال
 از او از جوانی قیامت

بیک شعله چو سن نار و ن عاس
 چو جو گن مہرن راہ گنگا جلی
 چو بلبل مہن پی گلشن مہر مقام
 کرن سی مہراز خرد اختیار

سو آتش کھیت رود در زیر خرس
هون رمیلی موی مرده مل ملی
شب روز چون مهر و ماه و گام
شہاہ اس پر فن بمضرب تار

در بیان رسیدن نجم النساء در باغی و سرود کردن
آمدن ماکسان شاه پری یعنی فیروز شاه و عاشق
شدن با هم دیگر و بودن در پرستان آن نازنین را

بصحر از تنگی چو دل غار خار
بشهر مطالب و چو ماهتاب
نجوم روی آمدی زنگ مایه
مقامس اکبر و اثر دگرستان
کرون از سر شوق آهنگ تار
اچو خون ماران ماران تال

بیار و دای ساقی گلزار
و لوطا و دریا و گل شراب
و تخم سوی در ریش کاسیم
قضا را شبی آنمه دستا
شب چاره آسود فصل بهار
به وقت درون مست با وجود حال

نیز در این کتاب که در این باب
در این باب که در این باب

می شو فکی ساقیو چا و جام
زری جو گنی روز شل از جهان
ملی جو گنی راز شا مک سوت
بمخفل سپن فرش شاهی زری

گرشهن کمال پشه لازه هندی و نه
بر جو گنی شب نما گو عیان
بعالم دیک جو گین کرسکوت
بحکیم شهن شاه جن و پری

زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم

سونی زود از قید گره من
 و جهت ما هر رخ نامه گیه بقرار
 دین در چو افشای راز نهان
 بتجیل حکم شه نامور
 سو قیدی که درون باز چه کوفه
 یه بوزت سپن شاد فیروز شاه
 کشاده دهن بام از چاه گو
 سکندر ز شاد آتش خوش صفا
 دمی از که و رات رنج و محن
 سو چاه پس اندر ماه حسن و جمال
 کل تازی آسو و چموت شهل
 بکف ناخن ناز همچون هلال
 بدیدار رخسار آن رشک ماه
 کرون بر سر تخت زرین سوار
 ان زود جو گن سونا ز کبدن

بو مالس و نی پور میلی سزا
 لدون خاک سرودن ارزا
 بنزد پدر زین خبر خوف جان
 لکهن عرض کای شاه و الا
 مه پش عذر تقصیر تها و معنا
 هتن دیو همراه تاراه حایه
 ازان ماه پر تو عجب گاه پیو
 ز ظلمات زن در او آفات
 سها هست لاغر ضعیف البدن
 رخ همچو بدرش سپنت ملال
 ز باد خزان خشک کن برگ گل
 مطول بکن زونه رموت ملال
 و جهت آو در گریه فیروز شاه
 چو باد صبا آو در نو بهار
 بکن آتش چشمان چو در عدن

زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم

زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم

زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم
 زینبختی که در این عالم

صبح و شام در این راه
زبانم ازین سخن گشاده
بهر حال که بودی
بهر حال که بودی
بهر حال که بودی

۳۰
شبی بخیر بزم یارون نصاب
نهیون در شفق زو جلا
ز روز پور بلا در بلا
صلاده با تم و غدا
صد غمزه غمزه

ولو ساقیو چا و جام شراب
 بگلزار دُون دلبرن گود و چار
 اکس چشمه خونین بسین چشمه غم
 خزان دیده با هم زه گلزار زن
 کرک با هم احوال پرسی تمام
 سه نجم النساء مشفق بینظیر
 کرون حال دلبر بد لبربیان
 سپین شب در احوال پرسی تمام
 سوش و آتو در شادمانی بسر
 برخسار وُل زو نه نورگ نقا
 بصحن فلک در او وقت صبا

برنده کرم باز از زمان
سپیدان اگر می باشد آن رنگ
خوشه سبزه سبزه است
سپیدان اگر می باشد آن رنگ

کوه ساز و سامان مستحق
 زین آیه نزد یک پدید
 می آید و این را می دانند که
 در این کتاب است و در این
 کتاب است و در این کتاب
 است و در این کتاب است

که و مع غرض خدمت بخت و دنیا
بودند زانکه در عرفان
بلدان نمی آید بهر یک
نمکن که هر دو را آساره
بین زمین و آسمان
کنند که کنند که
مستند و جبهه
مستند و جبهه
مستند و جبهه
مستند و جبهه

چو بهتر گرد مشوره بهر کار
کرک مشوره بادل خوشن
بملک دگر سیت هت مال و زر
لکهن نامه بر نامه مسعوده
سوفیروز شه تته شه بنیظیر
هتک سیت لعل و گهر بشمار
بطرف فلک همچو خوشید و ماه
تنهی نامه کر بنیظیران رقم
سکندر چشم شاه انجم سپاه
که ای حجم مثال و سکندر زاد
پوشه زاده چوین ناو چم بنیظیر
غریب الوطن چوین بملک دگر
چمه پر زور لشکر مدتش بشمار
نهنگان جنگی تلنگان زور
غرض سی چو مضمون این با اقل

نته منز لوکن ماگر هوشم سار
 روانه گرهن یم زه نازکبدن
 کرن جمع لشکر بصدگروفر
 بمضمون تر و بیج خورشید و ماه
 کند کابل بتدبیر بدر منیر
 بخت روان گی روانه زه یار
 زه دلخواه در ملک فیروز شاه
 بنام شهنشاه و الاشم
 فلک جاه سلطان مسعوده
 مراد جهان و جهان مراد
 پدر چوم شهنشاه صاحب کی
 سز شاه راجه چیم باج ده تا جور
 پلنگان صفدر هزاران قطار
 پلنگان صفدر چیم واره کرد
 کران چوس سوا لاه زام خربل

زین کندن کن
شکستن گویا خنجر و دهن
سین و چپ پیل خون
سیست هر چه در جان
و لیکن نه راه هم
گزن بین راه یکم
ناحق از راه یکم
یه امراه چون آید ویم
کران آری ساری و داد
سیون بخت کاغذ و قلم
بوک ساعت یک وقت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً
مستوراً كرمه من عباده
مضمون ان فود و جود دان
راي پياراي کار خیر

و منورون نامه
 کون منوره بامش این کار
 لکویک بهار است خطین روزگار
 و نیز دوش کهای غمگین
 دین اسم از زنده نشاه
 چو بهر که منوره اجاست نگاه
 به کاراه کون است بهواریکه نگاه

در بیان بیارسان سخن
 بگویند که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب

در بیان بیارسان سخن
 بگویند که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب

۳۲

ر چه گونه اس پانه ناموسنگ
 توی رود تابع بشرع رسول
 کرو آفتاب بس بمه اتصال
 بالقباب آداب با صد صواب
 پس از نعت احمد شه انبیا
 گرامی نمط خط سامی رسید
 چه تابع بشرع رسالت تاب
 کرو خوشکاری بشرع رسول
 که هرگز بمنزل نخواهد رسید
 کر یو عزم امینو بر سیم جهان
 سو خط گو روانه بوقت مراد
 ولون برتن ناز نازک حریر
 سود لخواه همراه فیروز شاه
 بجیل و خدمت تام دراوازمقام
 دون راجه از دل کرن صفت

خدا زانیه کیهانیر انجام جنگ
 به تدبیر شاهن بدل کر قبول
 کندون بادل خوشین سی یی
 تولن خامه لیکه بن بنامه جواب
 لکهن بعد حمد و ستای خدا
 بروزهایون و وقت سعید
 رقم مختصر کر بنامه جواب
 توی سرخ گواز حنائی قبول
 خلاف پیمیر کسه ره گزید
 بتاریج اسود بوقت فلان
 کروک بسته کاغذ بهر و داده
 وحیت نامه گوشادمان بنیظیر
 بعد شوکت و جاه و خیل سپاه
 بعد احتشام آن شه نیکنام
 بجن باجه و نای در هر طرف

جمله
 در بیان بیارسان سخن
 بگویند که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب

در بیان بیارسان سخن
 بگویند که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب
 از آن که در این کتاب

از آن آفتاب برون چو کمان چو پیکان
 که پیکان چو پیکان چو پیکان
 که پیکان چو پیکان چو پیکان
 که پیکان چو پیکان چو پیکان

کامه دیوه جامه چانوکیا مله وانوی
 سونه زین ترکس محنته تازانوی
 گوپال سنیا س دته درشانوی
 بهیه مال بهیه ناناگ آرزانوی
 موکبه و چو زلیجا به یوسفانوی
 ینبر زله متن زله بمبرانوی
 پوش فل باغن جوشن بوزه وانوی
 شوقه آکی قمری طوق مانه وانوی
 رند حقای زارونه وانوی
 دمه دمه سوی چوکی منده چهبانوی

گاه پیو عالمس چانوسی
 شاه ساندوکیاه ننده بانوی
 برکه تم برزه نانوسی
 شاه ساندوکیاه ننده بانوی
 چو که بله جگرس پراوانوسی
 شاه ساندوکیاه ننده بانوی
 بولبوش پوشنولانوسی
 شاه ساندوکیاه ننده بانوی
 آنده نانیای آزه لانوسی
 شاه ساندوکیاه ننده بانوی

در بیان نکاح بستن شهراده بنیظیر همراه پدر منیر
 و فیروز شاه با نجم النساء و شاد شدن با هم

سپین یام حاضر فنا طرشتاب
 عجب کوزه نقره و طشت زر

پراز آب کوثر سلفچ آفتاب
 بدشت فک شک شمس و قمر

نخستین و منم
 برون و پیوسته
 جبهه و ریه
 بکیم و ریه
 سینه و ریه

در آینه خاوه نه بنیظیر
 من زون کلن ۱۲
 دونا کلن ۱۲
 کلن ۱۲

در آینه خاوه نه بنیظیر
 من زون کلن ۱۲
 دونا کلن ۱۲
 کلن ۱۲

نعت شریف تصنیف محرم سال ۱۰۸۰

سید شاه انبیائی تو
 نرسد هیچکس بر تبه تو
 اقتدای تو انبیا کردند
 گشت پید از نور تو کونین
 فیض بخشای آسمان زمین
 برگزیده تویی ز خیل رسل
 وصف موی تو سوره ایل
 سینه تست مخزن عرفان
 سروستان ثم و جلاله
 واقف بر لی مع الهی
 زود ز انبیا کس در خلد
 نرسیده است کن باوج قلی
 البقی ای امم بدر گشت

سرو حمله اصفیائی تو
 شاه ذوالمجد ذو العالی تو
 بر اولو العزم پیشوای تو
 که ز شکوین مدعای تو
 شادی افزای و غمزدای تو
 مصطفائی و مجتبیائی تو
 بحسین مهربان و الضیائی تو
 گوهر و در بے بهائی تو
 شمع ایوان آینهائی تو
 بلبل شاخ قل کفائی تو
 تاندر جهان در آئی تو
 که سراوار ارتقای تو
 زانکه ملجا و ملتجائی تو

Handwritten marginalia in various scripts (Shikasta, Nasta'liq, and others) surrounding the main text, including phrases like 'نعت شریف', 'تصنیف محرم سال ۱۰۸۰', and various religious and poetic expressions.

مختصر فہرست کتب موجودہ وکان علام محمد ونور محمد

وراسم اللہ اور اوفیہ	وراسم محمد کبریت	وراسم یمن درہ یمن	گلشن	مدنیہ نعت	ابحار غریبہ کلدستہ	منقبت تذکرہ الشہداء
منار النبی	استقامت	جنگ بدر	معجزہ مین	شمال شریف	جنگ خنجر	جنگ سنور
بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ
بہار گلشن حصہ	بہار گلشن حصہ	موسیقی حصہ	موسیقی حصہ	موسیقی حصہ	موسیقی حصہ	موسیقی حصہ
دل حصہ	ونہ ون حصہ	غزلیات کیمی	گلبدن	شکر ریز	گل ریز	زیبا نگار
روضة الحسن	رو و ما بید	معراجنامہ	وہ عذاب	سوی منیوال	قصہ بی بی	نسب نامہ غوث اعظم طوطی نامہ
نارترجم	روضہ الشہداء	شہرہ مندود	ونہ ون حصہ	وفات نامہ	عشق حسین	توبۃ النصوح
شیخ منصور	شیخ صنعا	پیر نامہ	یک حکایت	یوسف زلیخا	منطق الطیر	نام حق
بدایع منظوم	عزوریات	احوال الآخرة	مکرزن	بہار نامہ	ملہ نامہ	پہل نامہ
زین العرب	چند بد	مہر و ماہ	جوہر عشق	کلدستہ	صبا	بہرام کل
شیرین خسرو	ہیہ مال اول	سیف الدین	کلنور	زلیخا	کل لکاولی	خدیجہ نامہ
قطر و قصہ سجاد	نعت حلیہ	عقاید	کلدستہ کرامات	سلطان محمود	یارون	تمیم انصار

تمام درجہ ستیم اور ریزل زکاتہ: منیر صاحب مسلم بک انجیسی۔ ایس۔ آر۔ جی۔ سٹریٹ سیکرٹری

SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY
SRINAGAR (Kashmir)

DATE LOANED

Class No. _____ Book No. _____

Acc. No. _____

This book may be kept for 14 days. An over - due charge will be levied at the rate of 10 Paise for each day the book is kept over - time.

[illegible]

891.441 H 556
S. P. College Library,
SRINAGAR.

DATE LOANED 16007

A fine of **one anna** will be charged for
each day the book is kept over time.

--	--	--	--

SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY
SRINAGAR (Kashmir)

DATE LOANED

Class No. _____ Book No. _____

Acc. No. _____

This book may be kept for 14 days. An over - due charge will be levied at the rate of 10 Paise for each day the book is kept over - time.

[illegible]

SRI
PRATAP
COLLEGE LIBRARY,
SRINAGAR.

Members of the
Sri Pratap College
Srinagar

Members of College
Teaching Staff can borrow
book at a time and
retain these for one
immediate
the can

Any intermediate student of the college can borrow one book at a time, any Degree or Honours or Post Graduate student of the college, two book at a time, and these can retain books for 14 days.

Books in any way injured or lost shall be paid for or replaced by the borrower.